

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندل شینرسون

Torah studies ترجمه کتاب

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:

Mr. Parviz Mojdehi

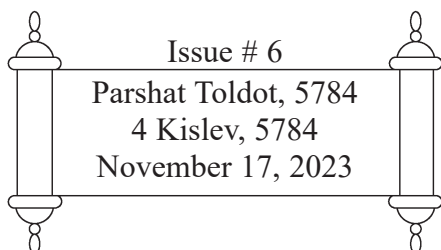
*

Reprinted with permission by:

Chabad Persian Youth

&

Moshiach Awareness Center



Friday, November 17, Light Shabbat Candles, by 4:30 p.m

Saturday, November 18, Shabbat ends at 5:33 p.m.

(Times are for Los Angeles)

JEWISH CHILDREN:
Get your own letter
in a Sefer Torah!
<http://www.kidstorah.org>

E-Z Office Machines
LA's Easy Office Solution

In Business Since 1990

SALE • SERVICE • REPAIR
RENT • LEASE

- COPIERS
- LASER PRINTERS
- FAX
- TYPEWRITERS

ISAAC
310-557-0702
FREE PICK-UP
& DELIVERY

1439 S. ROBERTSON BLVD., LOS ANGELES, CA 90035
www.ezofficemachines.com

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

Reprinted with permission by:

CPY & Moshiach Awareness Center,
Chabad Persian Youth a Project of:
9022 W Pico Boulevard. Enlightenment For The Blind, Inc.
Los Angeles, CA 90035 602 North Orange Drive.
Tel.: (310) 777-0358 Los Angeles, CA 90036
Fax: (310) 777-0357 Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092
<http://www.cpycenter.org> <http://www.torah4blind.org>
e-mail: cpycenter@sbcglobal.net e-mail: yys@torah4blind.org
Rabbi Hertzel Peer, Executive Director Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

تولدوت

پاراشای تولدوت با موضوع «اینها هستند فرزندان یسحاق پسر اوراهام» شروع شده و با این مطلب که «اوراهام یسحاق را بوجود آورد، ادامه می یابد». اگر چنانچه یسحاق پسر اوراهام است پس واضح است که اوراهام یسحاق را بوجود آورده است پس علت این تکرار چیست؟ این مبحث چهار علت را ذکر میکند که هر کدام به نوعی نماینده یک طرز تفکر خاص می باشند. هر کدام از این علت ها به ظاهر متفاوت از دیگری هستند ولی این بحث آنها را عمیقا مورد بررسی قرار داده و نشان میدهد که چگونه یک ارتباط درونی مابین این علت ها وجود دارد که به وسیله این رابطه آن وحدت عمیق و اساسی که مابین طرق مختلف درک و تفسیر تورا وجود دارد آشکار میشود.

To Place Your Advert
Here:
call (323) 934-7095

۱- چهار تفسیر

پاراشای این هفته با کلمات اینها هستند فرزندان یسحاق پسر اوراهام. اوراهام یسحاق را بوجود آورد" ۱. شروع میشود و مفسران تورا فوراً این سؤال را مطرح می کنند که چرا این موضوع که "اوراهام یسحاق را بوجود آورد" عنوان شده است؟ در میان جواب های مختلف این جواب ها را می توان عنوان کرد الف - در تلمود ۲ و در میدراش ۳ آمده است که «مسخره کنندگان آن زمان در مورد اینکه اوراهام پدر یسحاق است شک و تردید ایجاد کرده و ادعا می کردند که (سارا برای سالها با اوراهام زندگی کرد و بچه دار نشد و فقط زمانی بچه دار شد که بزور به خانه اوی ملخ برده ۴ شد) بنابراین خداوند ظاهر یسحاق را کاملاً شبیه به اوراهام کرد تا اینکه هر کس بتواند تشخیص بدهد که یسحاق واقعا پسر اوراهام است. عنوان دوباره این موضوع در واقع گویای این حقیقت است.

ب - در میدراش آمده است که علت این تکرار آن است ۵ که یسحاق بوسیله اوراهام دارای تاج عظمت میشد و اوراهام بوسیله یسحاق (یسحاق به اوراهام پدرش افتخار میکرد و اوراهام به پسرش یسحاق) به معنای دیگر هر کدام باعث افتخار دیگری بودند.

۱- برشیت ۱۹، ۲۵ ۲- بابا متزیا ۸۷ الف ۳- تنخوما، تولدوت راشی

۴- برشیت فصل ۲۰ ۵- تنخوما تولدوت ۴

ج - تفسیر^۶ حاسیدی این مطلب آن است که اوراهام سمبل ونمونه عشق و محبت نسبت به خداوند است . در حالیکه بیسحاق نمونه و سمبل ترس و هیبت از خداوند . هریک از این دو حالت عبادت خداوند دارای دو مرحله مختلف هستند. مرحله اول و پائین ترس از مجازات بخاطر گناه و یا ترس از هرگونه مجازاتی که انسان در نتیجه گناه ممکن است دچار آن بشود ، می باشد . مرحله دوم و بالا تر ترسی است که انسان نه به خاطر مجازات گناه بلکه بخاطر آنکه گناه مخالف خواسته خداوند است به آن دچار میشود زمانی که هیبت و عظمت خداوند را درک می کند.

مرحله اول و پائین عشق . نزدیکی به خداوند بخاطر انگیزه های خارجی است. انگیزه هایی همچون پاداش ، چه مادی و چه معنوی . اما مرحله دوم و بالا تر عشق ، عشقی است که جدا و مستقل از هرگونه خواسته های شخصی است و تنها انگیزه آن نزدیک شدن به خداوند بخاطر خود خداوند می باشد.

پاسوق تورا در تکرار کلمات خود در واقع ارتباط این چهار نوع عبادت خداوند را برای ما عنوان می کند. نوع ترتیب آمدن اسامی (بیسحاق ، اوراهام ، اوراهام ، بیسحاق) برای ما این مطلب را فاش می کند که عبادت خداوند با مرحله اول ترس از مجازات شروع میشود و به طرف مرحله پائین عشق که همان گرفتن پاداش است کشانده میشود و بعد به مرحله بالا تر عشق میرسد و بعد بالاخره به بالاترین نقطه خود یعنی ترس از حاضر شدن در حضور خداوند و درک هیبت و عظمت او را می یابد. ^۷

عبادت در مراحل اولیه منجر به ایجاد مراحل بالا تر میشود بخاطر آنکه اگر چه انسان عبادتش را با انگیزه های خارجی شروع می کند ولی در نهایت انسان به مرحله ای میرسد که آنرا فقط بخاطر خداوند انجام خواهد داد. ^۸ و این درسی است برای همه ما (که می بایست خداوند را هم با عشق و هم با ترس عبادت کنیم ^۹) چرا که اوراهام ، بیسحاق و یعقوب پدران ما، خوانده شده و فرزندان آنها خصوصیات آنها را به ارث برده اند و موظف هستند از این خصوصیات استفاده کنند.

د - در زوهر هقادوش آمده است ^{۱۰} که نام اوراهام سمبل روح انسان و (نام سارا سمبل جسم انسان می باشد ، برای آنکه در تورا آمده است که "سارا فوت کرد" ^{۱۱} که منظور جسم

**To Place Your Advert
Here:
call (323) 934-7095**

۶-اور هتوراه آغاز فصل تولدوت ۷- تئیا بخش اول فصل ۴۳ ۸-نازیر ۲۳ ب-رمیام هیلخوت تلمود تورا ۵، ۳

هیلخوت تشوا ۱۰، ۵- تئیا بخش اول فصل ۳۹ ۹- تئیا بخش اول فصل ۴۱ ۱۰- بخش اول ۱۳۵ الف ۱۱- برشیت ۲۳۲

هدف الهی خلقت جهان بوده و باعث می شود که خود خداوند هم از انجام آن لذت ببرد. از آنجا که انسان به شکل خداوند آفریده شده است. همچون خداوند دارای جنبه های در "درون بودن" و در "ماورا درون بودن" می باشد^{۲۶} "خداوند هم در درون کوچکترین ذرات و هم در ماورا جهان و هستی می باشد". و برای داشتن چنین خصوصیتی انسان می بایست هم دارای جسم باشد و هم دارای روح و به همان شکل که زمانی که ما جهان را مقدس می کنیم خداوند از این عمل ما لذت می برد به همان ترتیب نیز زمانی که ما جسم مان را مقدس می کنیم خداوند لذت می برد. چرا که با این عمل ما هدف خداوند در آفرینش را عملی می کنیم.

و در حالیکه در حال حاضر این روح است که زندگی را برای جسم فراهم می کند در دنیای آینده این جسم خواهد بود که به روح زندگی می بخشد چرا که در آن زمان هدف آفرینش بوسیله جسم درک میشود و از آنجا که روح آن نیرویی است که جسم را پاک و منزه کرده است بنابراین روح نیز در لذتی که از طریق تاثیرش بر جسم ایجاد شده است شریک خواهد شد.

بنابراین رابطه نهایی مابین چهار تفسیر به این ترتیب می باشد. سه تفسیر اول صحبت از عبادت انسان می کند و اینکه چگونه روح جسم را از درون محدوده های طبیعی خود بیرون کشیده و به وسیله تبدیل و تغییر شکل دادن طبیعت آن روحانیت و تقدس پنهان درون آنرا ظاهر می کند و این عمل موجبات رضایت و شادی خداوند را فراهم می آورد (اوراهام بیسحاق را بوجود آورد) یا "روح لذت هایی را بوجود می آورد" در نتیجه، همین لذت های بوجود آمده پاداش روح در جهان آینده خواهد بود و این همان مطلبی که در زوهر هقادوش "چهارمین تفسیر" عنوان شده است زمانی که می گوید "بیسحاق فرزند اوراهام است" و یا در عوض "روح لذت هایش را دریافت می کند".

(منبع لیکوتی سیخوت جلد سوم ص ۷۸ الی ۷۸۷) (Source: Likkutei Sichot, Vol. 3, pp. 780-787)

انسان است که فانی است در حالیکه در مورد اوراهام آمده است که "اوراهام از جلو مرده اش بلند شد"^{۱۲} (که نام اوراهام اشاره به روح می کند که باقی است) نام بیسحاق که سمبل شادی و لذت می باشد اشاره به لذت هایی می کند که روح در دنیای آینده از آن بهره مند خواهد شد. به این ترتیب پاسوق اینگونه تفسیر می شود. لذت ها و شادی ها پاداش هایی هستند که روح در دنیای آینده از آن برخوردار می شود (بیسحاق پسر اوراهام) به شرط آنکه روح در این جهان با عبادتش این لذت ها را تولید کند (اوراهام بیسحاق را بوجود بیاورد).

۲- وحدت درونی

یک اصل اساسی در قانون تفاسیر تورا وجود دارد و آن اینکه اگر تفاسیر مختلفی برای یک پاسوق از تورا ارائه شود حتی اگر در ظاهر این تفاسیر هیچگونه شباهت و رابطه ای با یکدیگر نداشته باشند. ولی در باطن آن تفاسیر به نحوی با یکدیگر مربوط هستند.

برای اثبات این مطلب حخامیم توضیح میدهند^{۱۳} که کلمه «ش آت نز» (به معنای اختلاط ممنوع شده پشم و کتان) از مجموع سه کلمات «شوآ» به معنای ترکیب و «تاو ووی» به معنای تابیده شده و «نوز» به معنای بافته شده، ایجاد شده است. و این گونه استدلال می^{۱۴} کنند که از آنجا که در تورا این سه کلمه با هم ترکیب شده و کلمه «ش آت نز» را بوجود آورده است این به معنای آن است که پارچه می بایست دارای هر سه این ترکیبات باشد، که بتوان آنرا «ش آت نز» اعلام نمود. (به این معنا که پشم و کتان می بایست با یکدیگر ترکیب شده تابیده و بافته شده باشد). چنانچه از ترکیب حروف سه کلمه مختلف، کلمه ای درست میشود که به ما می گوید که آن سه کلمه اولیه با هم مربوط می باشند پس بنابراین می توان نتیجه گرفت که توضیحات و تفاسیر مختلف هم اگر در مورد یک کلمه و یا یک پاسوق از تورا گفته شده باشد، با هم در رابطه می باشند.

به این ترتیب چه ارتباطی مابین چهار تفسیری که در بالا توضیح دادیم وجود دارد؟ در همگی وقایعی که در تورا عنوان شده است یک درس اخلاقی وجود دارد که به زندگی یک ما مربوط می شود^{۱۵} و ما به آسانی می توانیم درسی را که در تفسیر حاسیدی بالا گفته شده است را درک کنیم و آن این است که یک فرد یهودی می بایست خداوند را با هر دو احساسات

خود عشق و ترس عبادت کند درس اخلاقی که در تفسیر زوهر هقادوش وجود دارد آن است که عبادت یک فرد یهودی لذت های روحانی را ایجاد می کند که این لذایت در این جهان قابل درک نمی باشد ولی در جهان آینده از آنجا که دیگر روح در قالب تن زندانی نیست. این لذت ها برای او ظاهر شده و روح او آنها را احساس می کند و با درک این مطلب تمامی جنبه های عبادت انسان روح و جان تازه ای می گیرد و اما در مورد تفاسیر تلمود و میدراش، ارتباط این دو تفسیر با هم این است که هر دو صحبت از وقایعی می کنند که خارج از نظم معمولی طبیعت است چنانچه طبیعت از قوانین فیزیکی اش پیروی می کرد اوراهام طبیعتا نمی توانست صاحب فرزندی بشود چرا که هم او و هم زنش سارا پیرو نازا بودند. به همین علت است که زمانی که خداوند به او می گوید که او پسر می آورد تورا می گوید: «خداوند او را به بیرون آورد»^{۱۶} که ربانیم اینگونه توضیح میدهند که خداوند به او می گوید^{۱۷} از محاسبات ستاره شناسی ات بیرون بیا و خارج شو. آن حساب هایی که بوسیله آنها اوراهام پیش بینی کرده بود که او صاحب فرزند نخواهد شد.

و اگر چنانچه تکامل روح مسیر طبیعی خود را طی می کرد. (که به این ترتیب نسل های بعدی از نظر معنوی در درجه و مقام پائین تری قرار می گیرند همانگونه که ربانیم^{۱۸} می گویند که اگر پدران ما همچون فرشتگان بودند ما همچون آدمیان هستیم و غیره...) اوراهام نمی بایست به بیسحاق افتخار میکرد چرا که افتخار اوراهام به بیسحاق به معنای آن بود که بیسحاق عبادت پدرش اوراهام را کامل میکند و آنرا به کیفیات بالاتری میرساند که عبادت اوراهام فاقد آن کیفیات روحانی بود.

بنابراین هر دو این تفاسیر به ما این حقیقت عمیق را میرساند که یک فرد یهودی می تواند محدوده قوانین طبیعی را ارتقاء داده و بر آنها غلبه کند و این موضوع نه فقط در مورد موضوعات روحانی و معنوی بلکه در مورد موضوعات مادی و فیزیکی نیز صادق است. اوراهام قبل از بیسحاق دارای فرزندان معنوی هم بود. برای آنکه گفته شده است که فرزندان صدیق اعمال نیکی است که آنها از خود باقی می گذارند^{۱۹}. اما تولد بیسحاق ثابت کرد که حتی در قلمرو مادی و فیزیکی نیز همواره برای او معجزه میشد. و این تکذیب واقعی مسخره کنندگان آن زمان بود زیرا که ادعای آنها آن بود که اگر چه انجام معجزه توسط یک فرد یهودی در قلمرو معنوی و روحانی قابل پذیرش است ولی برای انجام

بندهای جسم مادی رها کرده و این حصارهای مادی را بشکند و پاداش این کوشش و تلاش لذت های روحانی است که در جهان آینده او از آن بهره مند خواهد شد.

۵- عمل و پاداش

در پیرکی آووت آمده است^{۲۴} که "پاداش میصوا میصوا است" به این معنا که پاداش یک عمل خوب در خود آن عمل موجود است و نه اینکه انسان در آینده آن پاداش را می گیرد و نه اینکه پاداش، آن لذت اضافه ایست که انسان از انجام آن عمل می برد. در دنیای آینده آنچه که به فرد یهودی به عنوان پاداش داده میشود نتیجه روحانی اعمال خوب او نیست بلکه خود آن اعمال خوب هستند که بشکل حقیقی خودشان ظاهر میشوند. در حال حاضر بخاطر داشتن جسم، ما نمی توانیم حقیقت روحانی عمل کردن به خواسته خداوند را درک کنیم. در دنیای آینده، این مطلب را درک می کنیم و این پاداش ماست.

در سه تفسیر اولیه بحث در مورد عمل انجام میصوا می باشد در حالی که در زوهر هقادوش بحث در مورد پاداش انجام عمل میصوا می باشد. اما از آنجا که پاداش میصوا انجام عمل میصوا می باشد ما می توانیم وحدت بیشتری مابین چهار تفسیر فوق الذکر بیابیم.

۶- عبادت جسم و پاداش روح

نام بیسحاق به معنای «لذت» می باشد و سارا زمانی که در دوره پیری بیسحاق را به دنیا می آورد می گوید "خداوند الوکیم برای من وسیله لذت و شادی فراهم ساخته است".^{۲۵} در این پاسوق خداوند بنام "الوکیم" خوانده شده است و این کلمه معمولاً اشاره به قدرت های خداوند در طبیعت می کند (حتی کلمه "الوکیم" از نظر ارزش عددی با کلمه «ط و ع» به معنای طبیعت مساوی است) که از این کلمه معمولاً برای پنهان کردن نام چهار حرفی خداوند که نشان دهنده قدرت ماوراء طبیعه اوست استفاده می شود بر طبق یک تفسیر حاسیدی معنای این پاسوق اینگونه می شود که "بخاطر آنکه من طبیعت را مقدس کردم، شادی برای من فراهم شده است". و این مطلب به این معناست که از آنجا که حضور الهی در دنیای طبیعی پنهان شده است انسان بوسیله اختصاص دادن اعمالش به قدوسیت، این حضور را آشکار و واضح می کند که این خود

۴- عبادت و پاداش

حال ارتباط مابین این چهار تفاسیر گفته شده مشخص می شود .

تلمود، که تفاسیرش به آن قسمتی از تورا متعلق است که واضح و آشکار است اشاره به تردیدها و شک هایی که در این دنیا موجود است، می کند. و بوسیله اثبات این مطلب که حتی در مسائل مادی هم یک فرد یهودی محکوم و مقید به قوانین طبیعی نیست به مسخره کنندگان زمان جواب می دهد.

میدراش که پیوندیست مابین جنبه های آشکار و جنبه های درونی و پنهانی تورا^{۲۱} در تفسیر خود موضوع را به همان ترتیبی که تلمود با آن روبرو میشود بررسی می کند همچنین توضیح عمیق تری نیز میدهد که یک فرد یهودی نه فقط قوانین طبیعت را بلکه همچنین قوانین معمول نظام روحانی را نیز دگرگون می کند. او می تواند خود را از تاثیر این سیر نزول روحانی دائمی انسان بدور نگه بدارد. تا آنجا که «افتخار پدران فرزندانشان باشند»^{۲۲} به این معنا که نسل بعدی عبادت و روحانیت نسل قبلی را به کمال برساند. (و از آنجا که میدراش دومین تفسیر خود را به نوعی عنوان می کند که در آن جایی برای مسخره کنندگان زمان وجود ندارد بنابراین دلیلی هم وجود ندارد که به همان طریقی جواب آنها را بدهد که تلمود جواب آنها را میدهد). حاسیدوت - که طریقی عبادت خداوند را نشان میدهد نیز در تفسیر خود ما را به قلمرو «ورای قوانین طبیعی» می برد. به عقیده حاسیدوت هر فرد یهودی می بایست خداوند را با عشق و ترس هم زمان عبادت کند. و طبیعتاً این دو احساس با یکدیگر قابل سازش نیستند. عشق یعنی کشش به نزدیک شدن به خداوند و ترس یعنی درک فاصله عمیق جدایی انسان از خداوند. که این دو احساس با هم سازگاری ندارند. با این حال یک فرد یهودی در عبادت خداوند نظام^{۲۳} طبیعی احساساتش را ارتقاء می دهد و می تواند این دو کشش مخالف را با یکدیگر ترکیب کند و این زمانی عملی می شود که تمامی وجود او عمیقاً غرق در عبادت خداوند بشود. زمانی که او دست به چنین عملی می زند خداوند او را از تمامی قوانین فیزیکی طبیعت هم از نظر مادی (برطبق تفسیر تلمود) و هم از نظر روحانی (برطبق تفسیر میدراش) بدور نگه میدارد. و اما زوهر هقادوش که جنبه های عارفانه تورا را توضیح میدهد، سخن از جهان آینده می کند و عنوان می کند که یک فرد یهودی می تواند در این جهان با کوشش و تلاش روحش را از قید و

معجزه در دنیای مادی و فیزیکی یک فرد یهودی احتیاج به قدرت موقتی حاکمان غیر مذهبی دارد. (این ادعا که آوی ملخ پدر ییسیحاق بود) به عبارت دیگر در موضوعات مادی او محکوم به اطاعت از قوانین طبیعی است .

خداوند با شبیه ساختن ییسیحاق به پدرش اوراهام، قدرت واقعی اش را به همه نشان داد و نشان داد که این اوراهام است. بنا به تفسیر زوهر هقادوش - که طریقی کسب قدرت های فیزیکی ایست و نه آوی ملخ (حاکم مادی) و این روح است که زمانی که می خواهد که خواسته ای را به عمل تبدیل کند هیچ مانعتی برای او وجود ندارد.

۳- آزادی روح

با توجه به مطالب بالا این کلمات ربی یوسف ییسیحاق ربه^{۲۰} قبلی لوباویچ بهتر درک می شود که: "تمامی مردم دنیا باید بدانند که این تنها جسم ماست که به گالوت و بردگی حکومت های خارجی فرستاده شده است ولی روح ما به گالوت نرفته و هرگز برده و بنده نشده است". "ما باید بصورت واضح در مقابل همه بگوئیم که در تمامی موضوعاتی که مربوط به مذهب ما یعنی به توره میسووت و سنت های ما میشود، هیچکس نمی تواند هیچ موضوعی را به مادیکنه و تحمیل کند. و ما هر گونه فشاری را تحمل کرده و هیچگونه قدرتی در مقابل ما نمی تواند ایستادگی کند".

این مطالب بالا ظاهراً متناقض بنظر می آید. چرا که تا زمانی که جسم در بنده گی و گالوت بسر می برد این آزادی روح به چه معناست و چه گونه امتیازی است؟ روحی که می بایست از طریقی جسم خواسته خداوند را در این دنیا عملی کند؟

ولی در واقع قدرت روح در همین مطلب نهفته است که می تواند جسم را از بردگی و در بند بودن به محدودیت های دنیای مادی خارج کند و این موضوع می بایست آنچنان واضح و روشن انجام بشود که تمامی مردم دنیا (که شامل مسخره کنندگان زمان نیز می باشند) بتوانند این مطلب را ببینند که «آوی ملخ ها» یعنی قدرت مندان جهان هیچگونه تسلطی بر یهودیان نه در زمینه مادی و نه در جهان معنوی و روحانی، ندارند.

۲۱- رجوع شود به تئیا بخش چهارم فصل ۲۳، ۲۲ -۲۲-امثال سلیمان ۱۷، ۶-۲۳- سیفری، دواریم ۵، ۶

۲۰- سوم تموز ۵۶۲۷ چاپ شده در لیکوتی دیبوریم ص ۶۹۲